

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترمیم روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی

گزیده پژوهش‌های جهان: ترمیم روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی

بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -

معاونت پژوهشی

تلخیص و ترجمه: حسین عسگریان

تاریخ انتشار: ۹۶/۶/۱۱

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۰۶۲۰۵

صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: www.tisri.org

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



خلاصه اجرایی

این گزارش در نوامبر ۲۰۱۶ توسط دو تن از پژوهشگران شورای روابط خارجی آمریکا، درباره نحوه بازسازی روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی در دوره پسااوباما نوشته شده است. هرچند در آن زمان مشخص نبود که ترامپ به قدرت خواهد رسید و آمریکا بیش از پیش به مواضع رژیم صهیونیستی در قبال ایران و منطقه نزدیک خواهد شد، با این حال، به نظر می‌رسد برخی از مسائل و چالش‌های ذکر شده در روابط دو طرف حتی در دوره جدید نیز تداوم یافته و یافته‌های نویسندگان می‌تواند در شرایط کنونی نیز درک بهتر از روابط این دو بازیگر ارائه دهد.

به گفته نویسندگان، روابط میان آمریکا و رژیم صهیونیستی در دوره اوباما در وضعیت نابسامانی قرار داشت. هرچند این وضعیت فقط به خاطر خصومت شخصی میان باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، نبود و نیز نمی‌شد آن را به اختلاف بر سر برنامه هسته‌ای ایران تقلیل داد. در واقع، فهرستی از اختلافات جدی در خصوص سیاست‌ها در قبال خاورمیانه و تغییرات سیاسی و جمعیتی، باعث بروز مشکلات در روابط آنها شده بود. در متن حاضر، مهم‌ترین چالش‌ها و اختلافات میان دو طرف بررسی، تهدیدات ناشی از این اختلافات تشریح، و راهکارهایی برای ترمیم روابط آنها ارائه شده است. برخی از مهم‌ترین نکات مطرح در این گزارش عبارتند از:

- مهم‌ترین تهدید و خطر در روابط آمریکا با رژیم صهیونیستی اختلافات روزافزون در زمینه چگونگی پرداختن به جدی‌ترین تهدیدات امنیتی و یا حتی وجودی علیه رژیم صهیونیستی است. به ادعای نویسندگان، امروزه به جای تهدیدات ناشی از ارتش‌های کشورهای عرب، ایران توسعه‌طلب و بالقوه مسلح به سلاح هسته‌ای؛ گسترش بی‌نظمی و ظهور بازیگران منطقه‌ای و غیردولتی مسلح به توان موشکی و مورد حمایت قدرت‌های خارجی؛ نارضایتی فزاینده جمعیت عرب داخل مرزهای این رژیم، از جمله تهدیدات علیه رژیم صهیونیستی محسوب می‌گردند. چشم‌انداز آمریکا و رژیم صهیونیستی در قبال پرداختن به این موضوعات و چالش‌ها باعث بروز اختلافات میان دو طرف شده است.



- در دوره اوباما، مهم‌ترین اختلاف دو طرف بر سر برنامه هسته‌ای ایران بود؛ امری که تا حدودی تا به امروز تداوم یافته است. رژیم صهیونیستی و آمریکا شدیداً خواهان ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هستند؛ اما در زمینه چگونگی رسیدن این هدف با یکدیگر اختلافات اساسی دارند. علاوه بر اختلافات عمیق‌تر بر سر به اصطلاح تهدید هسته‌ای ایران، دو طرف در زمینه سیاست‌های گسترده‌تر خود در قبال ایران نیز با هم اختلاف دارند. رژیم صهیونیستی از این موضوع هراس دارد که در پی توافق هسته‌ای، آمریکا روابط بیشتر را با دشمنی آغاز کند که حق حیات رژیم صهیونیستی را نفی و - به ادعای آنها - از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند و خواهان هژمونی منطقه‌ای است.

- رژیم صهیونیستی با ایالات متحده آمریکا در زمینه سیاست‌های این کشور در قبال مصر نیز اختلاف دارد. رهبران و استراتژیست‌های رژیم صهیونیستی بر این باورند که به خصوص در زمان آشوب در غرب آسیا، رهیافت آمریکا در قبال فشار به دولت‌های عرب بر سر ترتیبات سیاسی داخلی و رویه‌های حقوق بشری چندان سازنده نیست.

- شاید بتوان گفت که مهم‌ترین حوزه اختلاف میان رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا بر سر مسائل فلسطینیان است. علی‌رغم همه موانع برای دستیابی به راه‌حل دو دولت، اکثر آمریکاییان (چه در داخل و چه خارج از دولت و از جمله اکثر یهودیان آمریکایی) هنوز هیچ آلترناتیو بهتری را سراغ ندارند. اما در سوی دیگر، ظاهراً بسیاری از صهیونیستی‌ها از راه‌حل دو دولت دست کشیده‌اند. اختلاف آمریکا و رژیم صهیونیستی بر سر موضوع فلسطین به‌طور خاص در زمینه موضوع شهرک‌نشینی به اوج می‌رسد.

- با وجود تصویر کلی استمرار دوسویه پایدار در روابط دو طرف، برخی گرایش‌های آسیب‌زا در روابط وجود دارد. در رژیم صهیونیستی شاهد ایجاد جمعیتی مذهبی‌تر، ناسیونالیست‌تر و محافظه‌کارتر هستیم که با آمریکا در زمینه طیف گسترده‌ای از سیاست‌ها شامل: وضعیت لیبرالیسم و دموکراسی در رژیم صهیونیستی تا سیاست در قبال ایران و فلسطینیان اختلافات جدی دارند. در آمریکا نیز جمعیت جوان‌تر در مقایسه با افراد مسن علاقه کمتری به این رژیم دارند. گرایش‌های جمعیتی احتمالاً قدرت سیاسی بیشتری به گروه‌هایی می‌دهد که از نظر سنتی حمایت کمتری از رژیم صهیونیستی می‌کنند. همچنین در جامعه یهودیان آمریکا نیز اختلافاتی وجود داشته و شکافی در زمینه نگاه به این رژیم به‌وجود آمده است.



– به گفته نویسندگان، هیچ فرمول جادویی‌ای برای بهبود روابطی که به‌طور اجتناب‌ناپذیر محدودتر می‌شود وجود ندارد؛ اما رهبران دو طرف باید بعد از انتقال قدرت در آمریکا در ژانویه ۲۰۱۷، شش نکته را رعایت کنند و به اجرا بگذارند. این شش سیاست عبارت‌اند از:

۱. بازنگری در روابط استراتژیک؛
۲. بسط و گسترش همکاری‌های دفاعی؛
۳. تمرکز بر فعالیت‌های مربوط به توافق هسته‌ای ایران؛
۴. مهار طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای ایران؛
۵. اجرای اقداماتی برای بهبود زندگی روزمره فلسطینیان و حفظ چشم‌انداز گفتگوهای صلح؛
۶. ایجاد بازتوازن مشارکت از طریق گسترش همکاری‌های اقتصادی.



ترمیم روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی^۱

روابط میان آمریکا با رژیم صهیونیستی در دوره اوباما وضعیت نابسامانی قرار داشت. این وضعیت فقط به خاطر خصومت شخصی میان باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نبود و نیز نمی‌شد آن را به اختلاف بر سر برنامه هسته‌ای ایران تقلیل داد. در واقع، فهرستی از اختلافات جدی در خصوص سیاست‌ها در غرب آسیا و تغییرات سیاسی و جمعیتی در دو طرف باعث بروز مشکلات در روابط آنها شده بود. امروزه شمار زیادی از صهیونیستی‌ها از سیاست‌هایی حمایت می‌کنند که به تشدید اختلافات با آمریکا می‌انجامد. در مقابل، بسیاری از آمریکاییان، از جمله حامیان سنتی رژیم صهیونیستی، درقبال مسیر سیاست داخلی و خارجی این رژیم احساس نگرانی می‌کنند. شواهد حاکی از آن است که بدون تلاش‌های مستمر و پایدار سیاست‌گذاران و رهبران افکار عمومی دو رژیم، وضعیت روابط آن دو در مسیر بدتر شدن قرار خواهد گرفت. در این میان، می‌توان گفت که اگرچه همانند بسیاری از کشورها در این منطقه اشکال مختلف همکاری میان آمریکا و رژیم صهیونیستی همچنان باقی خواهد ماند، چشم‌انداز استراتژیک مشترک، قرابت فرهنگی، احترام دوجانبه و ارزش‌های دموکراتیک مشترک در حال تحلیل و شراکت این دو رژیم به‌طور فزاینده در معرض خطر قرار دارد.

متن حاضر خلاصه گزارشی است که رابرت دی بلیک‌ویل، از مقامات ارشد سیاست خارجی دولت بوش و فیلیپ ایچ گوردون از مقامات ارشد سیاست خارجی دولت اوباما تهیه و توسط شورای روابط خارجی در نوامبر ۲۰۱۶ منتشر کرده‌اند.

در این گزارش، مهم‌ترین چالش‌ها و اختلافات میان دو طرف؛ تهدیدات ناشی از این اختلافات؛ مجموعه‌ای از اشکال همکاری میان رژیم صهیونیستی و آمریکا؛ و چگونگی

1. Robert D. Blackwill, Philip H. Gordon, "Repairing the U.S. – Israel Relationship", *Council on Foreign Relations*, Nov. 2016.



ترمیم روابط میان آنها مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. براین اساس، نویسندگان توصیه‌ها و راهکارهایی را معرفی کرده‌اند. از نظر آنها، به دلایل استراتژیک، تاریخی و اخلاقی، هر دو رژیم باید روابط استراتژیک خود را بازنگری و احیا کنند. در این میان، از دید نویسندگان، جریان انتقال جدید قدرت در ایالات متحده آمریکا و به قدرت رسیدن ترامپ می‌تواند بهترین فرصت برای کنار گذاشتن اختلافات و نشان دادن اراده سیاسی لازم به منظور تغییر گرایش‌های سیاسی منفی و بهبود روابط رژیم صهیونیستی با ایالات متحده آمریکا باشد. برخی از مهم‌ترین نکات مطرح در این گزارش به قرار زیر است:

- مهم‌ترین تهدید و خطر در روابط آمریکا با رژیم صهیونیستی اختلافات رو به افزایش در زمینه چگونگی پرداختن به جدی‌ترین تهدیدات امنیتی و یا حتی وجودی علیه رژیم صهیونیستی است. برای دهه‌ها، تضمین امنیت رژیم صهیونیستی به معنای تأمین قدرت نظامی و توان اطلاعاتی برای دفاع در برابر تهاجم نیروهای نظامی اعراب، به طور جمعی یا انفرادی بود که دو طرف در این زمینه کاملاً موفق عمل کرده بودند؛ به طوری که آموس یادلین، رئیس سابق اطلاعات نظامی نیروهای دفاعی رژیم صهیونیستی، به تازگی اظهار کرده است که تهدیدات متعارف ناشی از ارتش‌های منظم کشورهای همسایه به طور کامل برطرف شده است. با وجود این، حمایت نظامی متعارف آمریکا از رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر نه تنها ادامه یافته، بلکه تشدید نیز شده است. فقط در دوران ریاست جمهوری او باما، ایالات متحده نزدیک به ۲۴ میلیارد دلار کمک دفاعی از جمله ۱/۲ میلیارد دلار برای کمک به سیستم‌های دفاع موشکی مثل گنبد آهنین به رژیم صهیونیستی داده است. اما مشکل اینجاست که برخلاف دهه‌های گذشته، چالش اصلی امنیتی فقط بازداشتن نیروهای نظامی عرب که آمریکا و رژیم صهیونیستی به آسانی آن را صورت می‌دادند نیست. به ادعای نویسندگان، به جای آن، تهدیدات اصلی امروزی علیه رژیم صهیونیستی شامل موارد زیر است: ایران گسترش طلب و بالقوه مسلح به سلاح هسته‌ای؛ گسترش بی‌نظمی و ظهور بازیگران منطقه‌ای تروریست و غیردولتی مسلح به توان موشکی و مورد حمایت قدرت‌های خارجی؛ و نارضایتی فزاینده جمعیت عرب داخل مرزهای این رژیم. چشم‌انداز آمریکا و رژیم صهیونیستی در قبال پرداختن به این موضوعات و چالش‌ها باعث بروز اختلافات میان دو طرف شده است.

- در حال حاضر، مهم‌ترین اختلاف دو طرف بر سر برنامه هسته‌ای ایران است. رژیم



صهیونیستی و آمریکا شدیداً خواهان ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هستند؛ اما در زمینه چگونگی رسیدن به این هدف با یکدیگر اختلافات اساسی دارند. برای اوباما، مذاکره با هدف دستیابی به بهترین توافق دیپلماتیک دارای اهمیت بود. او خواهان محدود ساختن برنامه هسته‌ای ایران برای یک دوره زمانی و گسترش رژیم نظارت و بازرسی بود و عواقب ناخواسته استفاده از نیروی نظامی را مدنظر داشت؛ اما برای نتانیاهو، جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای از یک طرف، به معنای انجام هر کاری برای محدود ساختن آن و از طرف دیگر، به معنای اجتناب از مشروعیت دادن به برنامه غنی‌سازی ایران است. وی از این امر هراس داشت و دارد که غنی‌سازی در نهایت، مسیر دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای را هموار سازد. نتیجه این اختلافات، واقعه بی‌سابقه سخنرانی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در جلسه مشترک کنگره آمریکا علیه اولویت‌های سیاست خارجی باراک اوباما به رئیس‌جمهور وقت آمریکا بود.

- اختلاف دیگر میان آمریکا و رژیم صهیونیستی، مربوط به توان نظامی آمریکا است که این کشور را در برابر تهدیدات ایران انعطاف‌پذیرتر می‌سازد. واشنگتن با اطمینان نسبی منتظر بود ببیند خطر ایران چگونه و تا چه اندازه رشد می‌کند؛ اما در مقابل، اگر توان هسته‌ای ایران توسعه می‌یافت، فضا برای رژیم صهیونیستی برای به‌کارگیری گزینه نظامی محدود و به‌طور قابل فهمی نگرانی‌هایش تشدید می‌شد. آمریکا با توجه به منافع متنوعش در منطقه به‌طور اجتناب‌ناپذیری اولویت را به دیگر اهداف منطقه‌ای خود مثل افزایش ثبات در عراق و شکست داعش داد؛ اما در مقابل، رژیم صهیونیستی ضرورتاً بر تهدید وجودی ایران هسته‌ای تأکید داشت که به گفته برخی مقامات این رژیم، هزاران برابر خطرناک‌تر از داعش توصیف شده بود. در این شرایط، تعجب‌برانگیز نیست که دو طرف در اصول پرداختن به برنامه هسته‌ای ایران با یکدیگر اختلاف داشته باشند.

- علاوه بر اختلافات عمیق‌تر بر سر تهدید هسته‌ای ایران، دو طرف در زمینه سیاست‌های گسترده‌تر خود در قبال ایران نیز باهم اختلاف دارند. رژیم صهیونیستی از این موضوع هراس دارد که در پی توافق هسته‌ای آمریکا، روابط بیشتری را با دشمنی آغاز کند که حق حیات رژیم صهیونیستی را نفی و - به ادعای آنها - از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند و خواهان هژمونی منطقه‌ای است. به گفته نویسندگان، گسترش یک کریدور نفوذ از تهران تا مدیترانه، به ایران توان قدرت‌افکنی بی‌سابقه‌ای را در این منطقه داده است. رژیم



صهیونیستی در هر کشوری که نفوذ ایران در آن در حال گسترش است، واشینگتن را منفعل دیده است. این امر سبب شده است این رژیم به این نتیجه برسد که دولت اواما چنان بر موفقیت در توافق هسته‌ای متمرکز شده که عواقب هژمونی منطقه‌ای ایران را نمی‌بیند. به ادعای نویسندگان، این فرضیه که دولت اواما به هزینه بلندپروازی‌های منطقه‌ای ایران اولویت را به توافق هسته‌ای داده، میان رژیم صهیونیستی و متحدان عرب واشینگتن مشترک است.

- رژیم صهیونیستی با ایالات متحده آمریکا در زمینه سیاست در قبال مصر نیز اختلاف دارد. رهبران و استراتژیست‌های این رژیم بر این باورند که به‌خصوص در زمان آشوب در غرب آسیا، رهیافت آمریکا در قبال فشار به دولت‌های عرب بر سر ترتیبات سیاسی داخلی و رویه‌های حقوق بشری چندان سازنده نیست. دولت اواما با اینکه قاهره روابط استراتژیک خود را با رژیم صهیونیستی تحکیم کرد، انتقال سیستم‌های تسلیحاتی بزرگ به مصر را بعد از کودتای نظامیان در تابستان ۲۰۱۳، به حالت تعلیق درآورد. رژیم صهیونیستی تأکید دارد که با توجه به دو تهدید اصلی علیه این رژیم یعنی ایران و تروریسم بین‌المللی، واشینگتن باید ثبات در مصر را به‌جای تحکیم دموکراسی و تأمین حقوق بشر در اولویت قرار داده و کمک‌های نظامی خود به مصر ارسال کند.

- ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در موضوع تحولات سوریه نیز با یکدیگر مشکلاتی دارند. در آنجا نیز رژیم صهیونیستی ثبات و بازدارندگی را بیشتر از تلاش برای ارتقاء دموکراسی یا تغییر رژیم می‌پسندد. به ادعای نویسندگان، اگرچه آمریکا به‌طور تدریجی اولویت خود را برای تغییر رژیم سوریه کمتر کرده، حمایت مستمرش از عناصر مخالف دولت اسد باعث نگرانی رژیم صهیونیستی شده است. این رژیم از ظهور افراط‌گرایی اسلامی و آشوب‌های پس از اسد در سوریه هراسان است و اگرچه خواهان مهار نفوذ ایران به‌خصوص نیروی نایب این کشور یعنی حزب‌الله لبنان است، می‌داند که اقدام نظامی برای برکناری اسد فقط به دشمن دیگرش یعنی افراط‌گرایان اسلامی قدرت می‌بخشد؛ لذا ترجیح می‌دهد بر مهار هر دو تهدید و اولویت بخشیدن به تهدیدات علیه سرزمین خود تمرکز کند.

- از زمانی که روسیه در سپتامبر ۲۰۱۵ حملات خود را در سوریه آغاز کرد، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از این اقدام هیچ انتقادی نکرد و چهار بار هم با ولادیمیر پوتین ملاقات نمود. این ملاقات برای هماهنگی سیاست‌های این رژیم با روسیه بر سر



سوریه بوده است. در واقع، این رژیم در پی آن است که با مسکو در خصوص موضوع سوریه و دیگر مسائل همکاری نزدیک‌تر داشته باشد. این امر در حالی است که بسیاری از آمریکاییان نگران عواقب استراتژیک ورود روسیه به غرب آسیا هستند.

– شاید بتوان گفت که مهم‌ترین حوزه اختلاف میان رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا بر سر مسائل فلسطینیان است. علی‌رغم همه موانع برای دستیابی به راه‌حل دو دولت، اکثر آمریکاییان (چه در داخل کشور و چه خارج از دولت و از جمله اکثر یهودیان آمریکایی) هنوز هیچ آلترناتیو بهتری را سراغ ندارند. آنها اعتقاد دارند سیاست‌های رژیم صهیونیستی به خصوص شهرک‌سازی در کرانه غربی باید به گونه‌ای طراحی شود که به چشم‌انداز این گزینه آسیب نرساند. آنها می‌گویند که هر آلترناتیوی به جای راه‌حل دو دولت می‌تواند منجر به حکومت غیردموکراتیک رژیم صهیونیستی بر میلیون‌ها فلسطینی شود و از ارزش‌های مشترکی که روابط دو طرف براساس آنها بنیان نهاده شده است بکاهد؛ اما در سوی دیگر، ظاهراً بسیاری از صهیونیستی‌ها از راه‌حل دو دولت دست کشیده‌اند. به ادعای نویسندگان، بعد از سال‌ها گفتگوهای بی‌نتیجه، بروز تردیدها درباره تمایل یا توان رهبران فلسطینی به رسیدن به توافق و در نتیجه، عقب‌نشینی یکطرفه رژیم صهیونیستی از غزه، شمار فزاینده‌ای از صهیونیستی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که هرگز نمی‌توانند با دولت فلسطینی زندگی کنند. بنا به نظرسنجی دانشگاه عبری، حمایت صهیونیستی‌ها از راه‌حل دو دولت از ۷۹ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۵۱ درصد در سال ۲۰۱۵ رسید. امروز ۸۸ درصد صهیونیست‌ها بر این باورند که فلسطینیان برای رسیدن به صلح تلاش جدی انجام نداده و بیشتر از سه چهارم آنها می‌گویند که مذاکره با فلسطینیان منجر به صلح نمی‌شود. همچنین برای اولین بار در بیست سال گذشته، اکثریت کابینه رژیم صهیونیستی به‌طور رسمی مخالف ایجاد دولت فلسطینی هستند.

– اختلاف آمریکا و رژیم صهیونیستی بر سر موضوع فلسطین به‌طور خاص در زمینه موضوع شهرک‌نشینی به اوج می‌رسد. دولت‌های رژیم صهیونیستی – چه چپ و چه راست – از رشد شهرک‌نشینی حمایت می‌کنند و حتی رهبرانی که شخصاً مخالف پروژه شهرک‌سازی هستند نیز تمایلی به پرداخت هزینه‌های سیاسی مهار این رشد ندارند. جمعیت شهرک‌نشین صهیونیستی در کرانه غربی از چند ده‌هزار نفر در دهه ۱۹۷۰ و در حدود ۱۲۰ هزار نفر در زمان توافق اسلو در سال ۱۹۹۳، در حال حاضر به دست کم ۳۷۰ هزار نفر رسیده



است. این امر از زمان به قدرت رسیدن نتانیاهو در سال ۲۰۰۹ افزایش شدیدی داشته است. بسیاری از صهیونیستی‌ها بر این باورند که وضعیت استراتژیک کنونی این رژیم به اندازه کافی قوی است که به مخالفت دولت آمریکا یا مخالفت جهانی بر سر فعالیت‌های شهرک‌سازی آنها توجهی نکند. به گفته این عده، حمایت کنگره آمریکا از آنها همچنان قوی است، هیچ تهدید نظامی متعارفی علیه آنها وجود ندارد، روابطشان با پادشاهی‌های عرب و مصر هرگز به‌خوبی امروز نبوده است، تروریسم علیه رژیم صهیونیستی محدود و جنبش فلسطینی ناکارآمد و دارای اختلاف داخلی است.

– به گفته نویسندگان، در تقابل با دیدگاه‌ها در رژیم صهیونیستی، دولت‌های آمریکا بر این باورند که شهرک‌سازی، منافع ملی آمریکا و خود رژیم صهیونیستی را تحلیل می‌برد؛ اول اینکه، مانعی بزرگ برای آشتی سرزمینی است که رسیدن به راه‌حل دو دولت را مانع می‌گردد؛ دوم اینکه، از این اقدام، رفتار غیرعادلانه علیه فلسطینیان برداشت می‌شود و محرک افراط‌گرایی اسلامی است و سوم اینکه، موضوع شهرک‌نشینی به‌آسانی از سوی جنبش «بایکوت، عدم سرمایه‌گذاری، تحریم» (BDS) برای ایجاد تصویر منفی از رژیم صهیونیستی مورد استفاده قرار می‌گیرد که این امر حمایت از رژیم صهیونیستی در آمریکا را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

– به باور نویسندگان، در نگاه کلی، تلقی عمومی این است که آمریکا و رژیم صهیونیستی علل اندکی برای نگرانی در زمینه آینده روابط دارند. در مجموع، حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی همچنان قوی است و اکثر مردم دو طرف با نگاه مطلوب به یکدیگر می‌نگرند. اما با وجود این تصویر کلی از حمایت دوسویه پایدار، برخی گرایش‌های آسیب‌زا در روابط وجود دارد. در رژیم صهیونیستی شاهد ایجاد جمعیتی مذهبی‌تر، ناسیونالیست‌تر و محافظه‌کارتر هستیم که در زمینه طیف گسترده‌ای از سیاست‌ها شامل: وضعیت لیبرالیسم و دموکراسی در اسرائیل تا سیاست در قبال ایران و فلسطینیان، اختلافات جدی با آمریکا دارند. در آمریکا نیز جمعیت جوان‌تر در مقایسه با افراد مسن علاقه کمتری به رژیم صهیونیستی دارند. گرایش‌های جمعیتی احتمالاً قدرت سیاسی بیشتر را به گروه‌هایی می‌دهند که از نظر سنتی از رژیم صهیونیستی حمایت کمتری می‌کنند. در جامعه یهودیان آمریکا نیز اختلافاتی وجود دارد و یک شکاف در زمینه نگاه به رژیم صهیونیستی به‌وجود آمده است. به‌هرحال، هیچ‌کدام از این گرایش‌ها ضرورتاً منجر به جدایی آمریکا از رژیم صهیونیستی نخواهد شد؛



اما نادیده گرفتن وجود این شکاف‌ها نیز منطقی نیست. به باور نویسندگان، رشد و حتی نفوذ سیاسی فزاینده جمعیت شهرک‌نشین صهیونیستی دیگر عامل تأثیرگذار و مهم است. مطمئناً صهیونیستی‌های ساکن در کرانه غربی و بیت‌المقدس شرقی بر مواضع رژیم صهیونیستی و سیاست‌های آنها تأثیرگذارند. با توجه به دو و نیم برابر شدن رشد جمعیت در میان شهرک‌نشینان، در مقایسه با میانگین رشد جمعیت ملی و اینکه این جمعیت شهرک‌نشین در مجموع محافظه‌کارتر و مذهبی‌تر است و دولت‌های آمریکا نیز وجود آنها را مانع صلح می‌دانند، رشد پایدار آنها می‌تواند بر اختلافات با آمریکا تأثیرگذار باشد. این تغییرات جمعیتی در کنار رشد نگرانی‌های امنیتی صهیونیستی‌ها منجر به شکل‌گیری ائتلاف راستگرا در رژیم صهیونیستی شده است؛ به طوری که در انتخابات سال ۲۰۱۵، احزاب جناح راست ۶۷ کرسی از ۱۲۰ کرسی پارلمان این رژیم را کسب کردند. جهت‌گیری دولت جدید رژیم صهیونیستی نه تنها درقبال راه‌حل دو دولت بدبینانه و حامی قوی گسترش شهرسازی است، بلکه به‌طور بالقوه به اقدامات ضدلیبرال در این رژیم دامن زده است که از جمله بازتاب آن را می‌توان در پیش‌نویس قانونی دید که رژیم صهیونیستی را به‌عنوان دولت - ملتی با جمعیت یهود تعریف کرده که می‌تواند دست به اقدامات تبعیض‌آمیز علیه اعراب و دیگر شهروندان غیریهودی رژیم بزند.

- به گفته نویسندگان، حتی بعد از روی کار آمدن دولت جدید در آمریکا دو طرف در طیفی از مسائل و سیاست‌های داخلی و خارجی همچنان با یکدیگر اختلاف دارند. برخی گرایش‌ها در آمریکا به‌گونه‌ای در حال تغییر است که همکاری با رژیم صهیونیستی را مشکل‌تر ساخته است. اولین گرایش این است که آمریکاییان جوان‌تر - که بعد از سال ۱۹۸۰ به دنیا آمده‌اند - در مقایسه با نسل قبل به‌طور قابل توجهی از رژیم صهیونیستی حمایت کمتری می‌کنند. جدا از گروه‌های سنی، تغییر در آرایش قومی جمعیت آمریکا نیز از نظر سیاسی به نفع حمایت از رژیم صهیونیستی نیست. حتی در میان جامعه یهودیان آمریکا، که زمانی به‌طور قوی و متحد حامی رژیم صهیونیستی بودند نیز برداشت‌ها در حال تغییر است. بی‌شک، هنوز اکثریت قاطع جامعه یهودیان آمریکا احساس رابطه ویژه‌ای با رژیم صهیونیستی دارند و آپیک، بزرگ‌ترین لابی طرفدار رژیم، حمایت بی‌دریغ خود را از سیاست‌های کنونی رژیم صهیونیستی نشان داده است؛ اما جامعه یهودیان آمریکا به‌طور فزاینده‌ای در حال انشقاق‌اند و حمایت از رژیم صهیونیستی به‌طور خودکار به حمایت از



سیاست‌های دولت صهیونیستی ترجمه نمی‌شود. رشد گروه‌های آلترناتیو طرفدار رژیم صهیونیستی مثل جی استریت و آمریکاییان برای صلح امروز، هرچند هنوز بسیار کوچک‌تر از آپیک هستند، اما از افزایش تنوع عقاید حکایت دارند. امروزه این گروه‌ها تأثیر روبه‌رشد بر این مباحث دارند. گرایش قابل توجه بعدی رشد شکاف دوحزبی بر سر مسائل مرتبط با رژیم صهیونیستی در آمریکاست؛ برای مثال، در سال ۲۰۱۵، ۷۶ درصد جمهوری‌خواهان بر این نظر بودند که مواضع کاندیداهای ریاست‌جمهوری در قبال رژیم صهیونیستی برای آنها بسیار مهم است؛ این در حالی است که در مقایسه، ۴۹ درصد دموکرات‌ها چنین نظری داشتند. همچنین حدود نیمی از دموکرات‌ها و فقط ۲۵ درصد از جمهوری‌خواهان بر این نظر بودند که رژیم صهیونیستی تأثیر بسیار زیادی بر سیاست‌های آمریکا دارد. این امر در تقابل با بیست سال پیش است که عمدتاً دموکرات‌ها در مقایسه با جمهوری‌خواهان بیشتر حامی رژیم صهیونیستی بوده‌اند. امروزه ۷۹ درصد جمهوری‌خواهان از این رژیم حمایت می‌کنند؛ این در حالی است که این حمایت در میان مستقل‌ها ۵۶ درصد و در میان دموکرات‌ها ۵۳ درصد است. بر این اساس، تعجب‌برانگیز نیست که این گرایش‌ها را در نوع نگاه دو حزب به مسائل سیاسی بسنجیم. در همین راستا، این گرایش‌ها را در برنامه حزبی دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در سال ۲۰۱۶ شاهد هستیم؛ به طوری که برای مثال، در برنامه حزب جمهوری‌خواه اشاره به حمایت از راه‌حل دو دولت نشده است؛ اما در برنامه حزب دموکرات، علی‌رغم اعلام حمایت کامل از رژیم صهیونیستی بر حمایت از مذاکرات صلح میان طرف‌ها به صورت مستقیم تأکید شده است.

- از نظر نویسندگان، رهبران رژیم صهیونیستی و آمریکا برای مقابله با برخی گرایش‌های ساختاری بلندمدت که بیشتر به آنها اشاره شد، اقدام اندکی می‌توانند صورت دهند؛ اما می‌توانند تا حد بسیاری از طریق بازسازی اعتماد، اجتناب از منازعات غیرضروری، انجام تعهدات متقابل، پیگیری منافع ملی مشترک با یکدیگر و توجه به دیگر طرف‌های ذینفع و حامی، به کاهش تأثیرگذار این گرایش‌ها کمک کنند.

- به گفته نویسندگان، هیچ فرمول جادویی‌ای برای بهبود روابطی که به طور اجتناب‌ناپذیر محدودتر می‌شود وجود ندارد؛ اما رهبران دو طرف باید بعد از انتقال قدرت در آمریکا در ژانویه ۲۰۱۷، شش نکته را رعایت کنند و به اجرا بگذارند. این شش سیاست عبارتند از:



۱. **بازنگری در روابط استراتژیک:** براین اساس، دعوت از نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به کمپ دیوید در اوایل سال ۲۰۱۷ برای کنفرانس سران با تمرکز بر توسعه دیدگاه استراتژیک جدید به منظور ایجاد تغییرات در غرب آسیا، تعهدات آمریکا برای حفظ تعاملات در این منطقه، بررسی نظام‌مند موضوع فلسطین و نهادینه‌سازی یک گفتگوی استراتژیک دوجانبه پیشنهاد می‌شود؛
۲. **بسط و گسترش همکاری‌های دفاعی:** ارتقاء حس امنیت و اعتماد رژیم صهیونیستی در آمریکا از طریق تعهد به ارتقاء دفاع موشکی، ضد تونل‌سازی و همکاری امنیت سایبری با رژیم صهیونیستی؛
۳. **تمرکز بر فعالیت‌های مربوط به توافق هسته‌ای ایران:** حرکت به فراتر از مباحث درباره ارزش توافق هسته‌ای ایران و همکاری با یکدیگر به منظور اجرا و تقویت توافق با تعهد به تحمیل مجازات‌ها علیه ایران، در صورت عدم انجام تعهدات و تنظیم برنامه مشترک برای ممانعت از دسترسی ایران به تسلیحات هسته‌ای بعد از به پایان رسیدن محدودیت‌های اصلی توافق هسته‌ای؛
۴. **مهار طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای ایران:** توسعه و اجرای رهیافت مشترک آمریکایی - صهیونیستی برای مقابله با چالش‌های منطقه‌ای ایران؛
۵. **اجرای اقداماتی برای بهبود زندگی روزمره فلسطینیان و حفظ چشم‌انداز گفتگوهای صلح:** تعهد بر سر مجموعه‌ای از اقدامات خاص و مفید توسط رژیم صهیونیستی به طور یکجانبه برای ارتقاء زندگی روزانه فلسطینیان و حفظ چشم‌انداز راه‌حل دو دولت و ایجاد پیوند میان تمایل مستمر آمریکا به خودداری یا مخالفت با اقدامات بین‌المللی در زمینه شهرک‌سازی یا فرایند صلح علیه رژیم صهیونیستی.
۶. **ایجاد بازتوازن مشارکت از طریق گسترش همکاری‌های اقتصادی:** گسترش همکاری‌های اقتصادی با تمرکز بر تجارت دوجانبه، سرمایه‌گذاری، انرژی، ابتکار و ادغام اقتصاد رژیم صهیونیستی در منطقه.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به گفته نویسندگان، آینده روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی در معرض خطر قرار دارد. این دو



بازیگر علی‌رغم منافع مشترک بسیار و پیوندهای عمیق فرهنگی، به واسطه بروز چشم‌اندازهای استراتژیک متفاوت در قبال منطقه غرب آسیا و تغییرات در گرایش‌های سیاسی، اجتماعی و جمعیتی بلندمدت، روابط خود را در معرض تهدید می‌بینند. سیاست‌های آمریکا به‌ویژه در خصوص منطقه غرب آسیا تغییرات قابل ملاحظه‌ای کرده و نمی‌توان منکر این حقیقت شد که اختلاف دیدگاه‌های واشینگتن و تل‌آویو بالا گرفته است. البته رویکردهای انتقادی در مقابل رژیم صهیونیستی از دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی شروع شد. در اوایل دهه ۱۹۹۰، روابط میان جورج بوش پدر و اسحاق شامیر به شدت نامطلوب بود و اختلافات عمیقی در مورد مسائل سیاسی میان دو طرف وجود داشت. در اواخر دهه ۱۹۹۰ نیز میان بیل کلینتون و نتانیاهو اختلافات زیادی وجود داشت که همین امر عامل مهمی در کنار رفتن نتانیاهو از پست نخست‌وزیری و روی کار آمدن ایهود باراک شد که البته در تمامی موارد، روابط ترمیم شده و این اختلافات مانع جدی در بهبود روابط دو طرف نبوده است. با این حال، رویکرد انتقادی در مورد رژیم صهیونیستی در چند سال اخیر در میان دولتمردان و نظریه‌پردازان غربی به‌ویژه درباره نقش آمریکا در غرب آسیا و بازتعریف جایگاه رژیم صهیونیستی در این منطقه افزایش یافته است. در این میان، با روی کار آمدن باراک اوباما با شعار تغییر در آمریکا و تغییر سیاست خارجی این کشور، از نگرش‌های رادیکال دوران بوش به سیاست‌های دیپلماتیک‌محور و توجه بیشتر آمریکا به واقع‌گرایی مصلحت‌محورانه استراتژیک، دوران طلایی روابط رژیم صهیونیستی با آمریکا به پایان رسیده است و امروزه علی‌رغم روی کار آمدن ترامپ باز هم شاهد هستیم که سیاست‌های واشینگتن با تل‌آویو کاملاً همخوان نبوده و کارآمدی لابی صهیونیستی در آمریکا نیز تا حدودی زیر سؤال رفته است. در واقع، می‌توان گفت دولت اوباما در بعضی سطوح از آنچه به نظر عده زیادی در وزارت خارجه و به خصوص کنگره خط‌مشی دوحزبی تعریف شده، فاصله گرفته بود. این فاصله به‌ویژه در سیاست خارجی آمریکا در مورد غرب آسیا، از جمله: پرونده هسته‌ای ایران، حل مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی، مسئله سوریه، ظهور اخوان‌المسلمین و دیگر جنبش‌های اسلام سیاسی در منطقه دیده می‌شد که در این میان، همان‌گونه که نویسندگان گزارش حاضر اشاره کردند، برخی از گرایش‌های جمعیتی، سیاسی و اجتماعی بلندمدت نیز بر تعمیق اختلافات دو طرف تأثیرگذار خواهند بود که حتی با تغییر دولت در آمریکا برگرداندن این گرایش‌های بلندمدت کار آسانی نخواهد بود.